

نیازهای دانشی و اجتماعی زنان روستای قزل تپه علی قلی استان زنجان برای مدیریت جامع حوضه آبخیز

اسماعیل کرمی دهکردی^{۱*}، رقیه بابایی^۲

چکیده

زنان روستایی نقش مهمی در تأمین معیشت خانوارهای روستایی دارند و می‌توانند در برنامه‌های مدیریت پایدار منابع طبیعی نقش بسزایی ایفا کنند. هدف این پژوهش بررسی فعالیت‌های معیشت زنان روستایی و نیازهای مرتبط آنان برای ارتقای ظرفیت‌های دانشی و اجتماعی آنهاست. پژوهش با استفاده از یک مطالعه موردی و فنون ارزیابی سریع مشارکتی در روستای قزل تپه علی قلی در استان زنجان انجام شد. زنان روستایی از طریق راهبردهای معیشت مختلفی در خانوارهای خود فعالیت می‌کردند که از جمله عبارت بودند از: فعالیت‌های غیرکشاورزی همچون فرش بافی و تابلوبافی؛ فعالیت‌های کشاورزی وابسته به مراتع به‌ویژه برداشت گیاهان خوراکی و دارویی و فعالیت‌های کشاورزی با وابستگی کم به مراتع، به‌ویژه برداشت و فرآوری محصولات. ارزیابی نیازهای زنان روستایی نشان داد که آنان نیاز به دانش و مهارت به‌روز در مورد برداشت و فرآوری محصولات باغی و لبنی، روش‌های حفظ منابع طبیعی، فعالیت‌های نوین غیرکشاورزی و کشاورزی نوین و سواد بالاتر دارند. ضرورت بهبود نگرش زیست‌محیطی زنان، به‌ویژه در مورد مدیریت پسماندهای روستایی، نیز به‌منزله نیاز مهم مطرح شد. زنان روستایی همچنین به تقویت ظرفیت‌های اجتماعی خود، به‌ویژه در مورد نفوذ بر بازار محصولات کشاورزی، تعامل و اعتماد درون جوامع و با کنش‌گران بیرونی و تقویت تشکلهای زنان روستایی نیاز داشتند. این نیازها ضرورت تنظیم برنامه‌های ترویج کشاورزی و مدیریت منابع طبیعی را در جهت ظرفیت‌سازی دانشی-اجتماعی زنان روستایی نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

دانش، زنان روستایی، نیاز، ظرفیت اجتماعی، مدیریت جامع حوضه آبخیز.

۱. دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشگاه زنجان
e.karamidehkordi@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه زنجان
Br1368@yahoo.com

۱. دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشگاه زنجان
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه زنجان
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۱۱

مقدمه و طرح مسئله

معیشت مردم روستاها ارتباطی تنگاتنگ با منابع طبیعی و بهبود معیشت افراد، ارتباطی مستقیم با حفظ و احیای منابع طبیعی دارد. به‌منظور مدیریت منابع طبیعی، ابتدا باید به ظرفیت‌ها و نیازهای معیشت مردم محلی توجه ویژه شود و سپس از مردم محلی انتظار رود که در اقدامات مربوط به حفظ و احیای منابع طبیعی پیرامونشان همکاری داشته باشند. بیشتر مردم روستایی و عشایری، اعم از مردان و زنان کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، در بخش کشاورزی اشتغال دارند و فعالیت‌های شغلی آنان در ارتباط مستقیم با این منابع طبیعی است [۲۷]. براساس برآورد بخش زنان فائو در سازمان ملل متحد، زنان و دختران روستایی یک‌چهارم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و برای بخش کشاورزی نیروی کار بزرگی محسوب می‌شوند. به‌رغم نقش محوری زنان در مدیریت منابع طبیعی، زنان روستایی حقوق قانونی به رسمیت شناخته‌شده بسیار کمی دارند [۲۹]. سرشماری عمومی کشاورزی کشور نشان می‌دهد که تعداد ۴ میلیون و ۴۲ هزار ۸۱۱ واحد بهره‌برداری انفرادی کشاورزی در ایران وجود دارند [۱۸]. همچنین، آمار سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷، تعداد خانوارهای عشایری را ۲۱۲ هزار و ۶۶۰ خانوار گزارش کرده است [۱۷]. در همه واحدهای بهره‌برداری یادشده، نیمی از افرادی که فعالیت‌های مختلف کشاورزی، اعم از زراعت، دامداری، باغداری، شیلات و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع را انجام می‌دهند، زنان‌اند. مطابق آمار فائو، ۶/۴ میلیون نفر در بخش کشاورزی در کشور ایران فعالیت می‌کنند که از این بین، ۳/۲ میلیون نفر را زنان (عمدتاً زنان روستایی) تشکیل می‌دهند [۲۴]. این افراد همه فعالان اعم از افراد دارای مالکیت و بدون مالکیت و از جمله کارگران کشاورزی، عشایر و کارگران خانوادگی بدون مزد را دربر گرفته است. دیگر اعضای ۲۰/۷۳ میلیون نفری جامعه روستایی و بیش از ۱۰ میلیون نفری زنان روستایی [۱۹] به منابع طبیعی وابستگی‌های معیشتی و سکونت‌گاهی دارند. زنان روستایی در زمینه تولیدات زراعی و دامی مختلف فعالیت‌های بسیاری دارند و با منابع طبیعی در تعامل‌اند [۹؛ ۲۰؛ ۲۱]. خانوارهای روستایی جزء بهره‌برداران اصلی منابع طبیعی به‌شمار می‌روند و چالش‌های منابع طبیعی نه تنها بر آن‌ها اثر می‌گذارد، بلکه فعالیت‌های این بهره‌برداران به نوبه خود در افزایش چالش‌های منابع طبیعی مؤثرند. در این زمینه، گروه‌های مختلف روستایی، از جمله زنان روستایی، تحت تأثیر مسائل گوناگون منابع طبیعی قرار دارند. پس با توجه به ارتباط مستقیم زندگی روستاییان و از جمله زنان روستایی با این منابع، باید حفاظت از منابع طبیعی به همراه بهبود معیشت خانوارهای روستایی در اولویت سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرد [۲۷]. از جمله رهیافت‌های مهم، که به تلفیق حفاظت منابع طبیعی با مسائل معیشت جوامع روستایی با یک نگاه سیستمی و با در نظر گرفتن کلیت یک حوضه آبخیز می‌پردازد، رهیافت «مدیریت مشارکتی و جامع حوضه‌های

آبخیز یا منابع طبیعی» است. زنان روستایی در صورتی می‌توانند اثربخشی لازم را در زمینه مدیریت مشارکتی و پایدار منابع طبیعی داشته باشند که ظرفیت‌های آنان و خانوارهایشان بررسی و نیازهای آنان به‌وضوح مشخص شود [۳۰]. در این زمینه، یکی از سیاست‌های اخیر کشور در زمینه مدیریت چالش‌های منابع طبیعی، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی جوامع روستایی، از جمله زنان روستایی، در راستای مدیریت پایدار حوضه‌های آبخیز است [۱۴]. شناسایی نیازهای اساسی زنان به این منظور انجام می‌شود که از طریق درک به‌موقع رفتار و توانشان بتوان به توانمندسازی آنان اقدام کرد [۳۰]. شناسایی فعالیت‌های معیشت و نیازهای محسوس و غیرمحسوس متناسب با فعالیت‌های زنان روستایی در راستای مدیریت پایدار منابع طبیعی در حوضه‌های آبخیز ضروری به نظر می‌رسد و نیازمند برنامه‌ریزی‌های عملی و منطقی در این زمینه است. لذا پژوهش حاضر به دنبال شناخت ظرفیت‌ها و نیازهای زنان روستایی در دو مقوله مهم دانش و ظرفیت‌های اجتماعی آن‌ها در مدیریت پایدار منابع طبیعی حوزه آبخیز است. همچنین هدف تحلیل این نیازها و ظرفیت‌ها برحسب سطح ثروت خانوارهاست.

ملاحظات نظری

براساس مدل معیشت پایدار خانوارهای روستایی، بهبود سرمایه‌ها و ظرفیت‌سازی جوامع روستایی را می‌توان در پنج زمینه انسانی، اجتماعی، فیزیکی، اقتصادی و طبیعی انجام داد [۱۴]. در فرایند مدیریت پایدار منابع طبیعی، نقش هر یک از سرمایه‌های مذکور چشمگیر است. از این میان، سرمایه‌های انسانی (دانشی) و اجتماعی اهمیت ویژه‌ای در مدیریت پایدار دارند. سرمایه انسانی سلامت، مهارت و دانش افراد محلی، نیروی کار در دسترس با توجه به کمیت و کیفیت آنان و توانایی و استعداد افراد برای انجام دادن امور مختلف و... را شامل می‌شود. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از روابط خویشاوندی، شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌ها، حقوق و مطالبات مردم است [۲۶؛ ۳۲]. سرمایه اجتماعی روابط بین افراد یک جامعه، شبکه‌های اجتماعی و تشکل‌های مختلف، حقوق و مطالبات مشترک، اعتماد بین افراد درون جامعه روستایی، اعتماد بین جامعه روستایی و سازمان‌های بیرونی و اقدامات جمعی درون جامعه روستایی را دربر می‌گیرد [۱۶].

با تأکید بر دو ظرفیت یا سرمایه انسانی و اجتماعی، توانمندسازی زنان فرایندی است که در آن شرایط مناسب فراهم می‌شود تا افراد از نیازها، خواسته‌ها و تمایلات خود آگاهی لازم را کسب کنند و با توجه به این آگاهی‌ها در دستیابی به اهداف متناسب با زمینه‌های نیازها و خواسته‌های خود، تلاش‌هایشان را تقویت کنند و در این زمینه توانایی‌های لازم را در جهت عملی کردن نیازها و خواسته‌های خود کسب کنند [۳]. توانمندسازی زنان به معنای افزایش شناخت و خودآگاهی افراد، توانایی اعتماد و افزایش آزادی انتخاب از سوی خودشان است و یکی از اهداف توسعه نیز محسوب می‌شود [۱۰]. توانمندسازی زنان به ایجاد شرایطی اشاره دارد که طی آن زنان روستایی خودشان سرنوشتشان را تعیین کنند و به‌منزله شرکای برابر در

فعالیت‌های مختلف توسعه و رفاه عمومی خانوار، مشارکت و همکاری جویند [۲۸]. برنامه‌های مرتبط با توانمندسازی زنان روستایی باید با تمرکز بر مشارکت افراد محلی و خود زنان روستایی انجام شود، زیرا بدون همکاری و مشارکت آنان تحقق مدیریت پایدار امکان‌پذیر نخواهد بود [۲۲؛ ۲۸]. توانمندسازی زنان عبارت است از: ایجاد توانایی در تصمیم‌گیری، انتخاب، سازماندهی و مشارکت خود فرد در امور مختلف و ایجاد قدرت فردی، گروهی و جمعی در زنان جوامع مختلف، از جمله جامعه روستایی، به منظور بهبود شرایط نامطلوب حاکم بر جامعه روستایی از طریق تلاش گسترده آنان [۵]. توانمندسازی از طریق کنترل درآمد و دارایی‌ها، قدرت گفت‌وگو و مذاکره، زنان را برای بهبود معیشت آن‌ها تسهیل می‌کند [۳۰].

مدیریت جامع، مشارکتی و اجتماع‌محور، رویکردی نوین در زمینه منابع طبیعی است. در این رویکرد، اجرای برنامه‌های مرتبط با حفاظت منابع طبیعی از سوی کنش‌گران و افراد کلیدی محلی، که توان تصمیم‌گیری بالایی نسبت به سایر افراد جامعه دارند، انجام می‌شود. در این رویکرد، کنش‌گران، نیروی انسانی بسیار مؤثر در اجرایی کردن برنامه‌های مدیریت مشارکتی هستند؛ به طوری که استفاده از افراد کلیدی محلی، مدت زمان اجرا و هزینه‌های مربوط به فرایند مدیریتی را به حداقل می‌رساند [۱۱]. به بیان دیگر، رویکرد مشارکتی مستلزم اقدامات گروهی کنش‌گران و مشارکت و همکاری اقلیت روستایی از جمله زنان است [۱۳]. یکی از ضروریات اصلی رویکرد مدیریتی، افزایش اعتماد و روابط متقابل بین زنان درون جامعه (درون روستا) و روابط و اعتماد آنان با نهادهای دولتی (برون روستا) است [۱۲].

توانمندسازی و ظرفیت‌سازی مردم محلی و به‌ویژه زنان روستایی، مهم‌ترین مؤلفه این نوع مدیریت به‌شمار می‌رود که موجب مشارکت فعال و جامع آنان می‌شود. برای تحقق این امر مهم، باید زنان روستایی وارد عمل شوند و در مراحل مختلف برنامه‌ریزی، طراحی و اجرای طرح‌های مشارکتی ظرفیت‌سازی از آنان بهره‌گرفت. با ظرفیت‌سازی جامع روستاییان نه تنها آنان به ارزش‌های طبیعی منابع طبیعی پیرامون خود پی می‌برند، بلکه این امر مهم نیز برای آنان آشکار می‌شود که معیشت آنان وابسته به منابع موجود است و می‌توانند آن‌ها را برای نسل‌های آینده نیز حفظ کنند و بدین طریق در جهت حفظ و احیای این منابع، مشارکت بهتری خواهند داشت. بنابراین، باید به زنان روستایی در جهت پی‌بردن آنان به ظرفیت‌های موجودشان و ظرفیت‌سازی توانایی‌های نهفته آنان توجه لازم کرد و با برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های مناسب در جهت بهبود مدیریت منابع طبیعی و حفظ این منابع، ابتدا به ظرفیت‌سازی و تقویت توانایی‌های آنان پرداخت و با این زمینه‌سازی، مدیریت پایدار منابع طبیعی نیز تحقق خواهد یافت [۴]. بنابراین، نقش زنان به‌منزله عضو فعال و مؤثر خانوار روستایی در اعمال مدیریت مشارکتی چشمگیر است و باید اقدامات لازم در جهت جلب مشارکت آنان در رهیافت مذکور انجام گیرد که این خود مستلزم شناخت نیازهای آنان است. نیاز مفهومی نسبی است و می‌توان آن را فاصله بین دو وضع موجود و وضع مطلوب و به

عبارت دیگر، فاصله بین نتایج جاری و نتایج مورد انتظار بیان کرد [۸]. نیازها انواع متفاوتی دارند که برخی از آنها نیازهای محسوس‌اند و خود فرد ضرورت وجود آن را به‌طور عینی حس می‌کند و برخی نیاز غیرمحسوس که فرد ضرورت وجود آن را مستقیماً حس نمی‌کند [۷].

پیشینه تحقیق

مطالعات انجام‌گرفته درباره نیازسنجی و توانمندسازی جوامع روستایی به منظور تحقق مدیریت پایدار منابع طبیعی ضرورت حضور و مشارکت زنان در حفظ منابع طبیعی را تأیید می‌کنند. کرمی دهکردی و فرخی (۱۳۸۸) در مطالعه خود در زمینه بررسی مدیریت پایدار حوضه‌های آبخیز و نیازهای یادگیری روستاییان (مطالعه موردی حوضه آبخیز فش) بیان می‌کنند که بهره‌برداران وابستگی شدیدی به حوضه دارند و از منابع اقتصادی خرد و محدودی برخوردارند که این به افزایش فشار بر منابع طبیعی منجر می‌شود. برخلاف دیدگاه کارشناسان، که بر پایین بودن سطح موجود اطلاعات بهره‌برداران تأکید می‌کردند، روستاییان سطح اطلاعات و گرایش درخور توجهی در این زمینه نشان دادند (به جز مورد سیلاب). بنابراین، میزان شکاف یا نیاز اطلاعاتی در این زمینه نسبتاً کم بوده و اولویت‌بندی کارشناسان با روستاییان متفاوت است [۱۵]. رضایی و صفا (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای در شهرستان زنجان پی بردند که نیازهای آموزشی مرتعداران مطالعه‌شده شامل چهار عامل فنی، حفاظتی، قانونی و شناختی است [۶]. سازمان غیردولتی داوطلبان آفریقا^۱ (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی نقش زنان در مدیریت منابع طبیعی در کنیا پرداخت و نشان داد که در مناطق مختلف جهان، از جمله کنیا، نقش‌های جنسیتی زنان در ارتباط مستقیم با منابع طبیعی است. آن‌ها از این منابع برای تأمین نیازهای اساسی خانواده خود استفاده کرده و از آن حفاظت می‌کنند. بنابراین، در مناطق روستایی حفاظت از منابع طبیعی بدون دخالت و آموزش زنان انجام نمی‌شود. آن‌ها برای ارزش‌ها، مدیریت و پایداری منابع طبیعی نیاز دارند تا در مورد منابع جایگزین معیشتی آموزش ببینند [۳۱]. نتایج مطالعه غنیان و قدیری معصوم (۲۰۱۰) در استان خوزستان نشان داد که زنان در کلیه فعالیت‌های حفاظتی، احیایی و تخریبی در منطقه نقش داشته‌اند. بین ویژگی‌های شخصی آنان و فعالیت‌های حفاظتی، احیایی و تخریبی از سوی آنان ارتباط معنادار وجود نداشت، پس فعالیت‌های تخریب منابع طبیعی از سوی زنان عمدی نبوده، بلکه به اقتضای مکان زندگی، شرایط آب‌وهوایی محل سکونت خود و کمبود نقدینگی و نداشتن آگاهی کافی به بهره‌برداری غیراصولی اقدام می‌کنند. نبود امکانات رفاهی و تسهیلات زندگی، جمعیت زیاد، چرای مفرط دام و استفاده از سوخت سنتی در مناطق مطالعه، سبب تخریب منابع طبیعی شده است [۲۵]. مایخوری و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان توانمندسازی زنان روستایی در زمینه

فناوری کشاورزی بوم‌شناختی در منطقه هیمالیای مرکزی هند نشان دادند زنان به‌منزله ستون فقرات فعالیت‌های کشاورزی مناطق کوهستانی محسوب می‌شوند. با این حال، در سال‌های اخیر، تخریب محیط زیست، مدیریت ضعیف منابع و افزایش مهاجرت مردان به نواحی دشت، گزینه‌های معیشت را بدتر کرده است و بر حجم کار زنان در این منطقه افزوده است. در ارزیابی سختی‌ها و مشکلاتی که زنان مناطق کوهستانی با آن‌ها مواجه‌اند، مشخص شد که اگر آنان بخواهند در معیشتشان حفاظت و مدیریت منابع طبیعی را بهبود دهند، باید ظرفیت‌ها و مهارت‌هایشان را در زمینه فناوری کشاورزی بوم‌شناختی توسعه دهند [۲۸].

اکبری و غلامی (۱۳۹۲) در مطالعه خود در زمینه بررسی نقش زنان در ترویج کشاورزی و تأثیر آن بر توسعه روستایی بیان می‌کنند زنان در کلیه فعالیت‌های کشاورزی، اعم از تولیدی، حفاظتی و تخریبی، نقش دارند و آگاهی ناکافی در امور مرتبط باعث نقش تخریبی آنان شده است [۱]. در مطالعه کرمی دهکردی (۱۳۹۴) در مورد شناخت ظرفیت‌ها و نیازهای اجتماعات روستایی در راستای مدیریت جامع و مشارکتی در استان زنجان به سه دسته راهبرد اصلی معیشت خانوارهای روستایی توجه شد: الف) راهبردهای کشاورزی وابسته به منابع طبیعی همچون چرای دام در مراتع، بهره‌برداری از گیاهان مرتعی و کشت در مراتع، ب) فعالیت‌های کشاورزی موجود یا نوین که انجام آن‌ها می‌تواند موجب تنوع‌سازی معیشت و کاهش فشار بر منابع طبیعی گردد، پ) راهبردهای غیرکشاورزی کاهش‌دهنده فشار بر منابع طبیعی از جمله فعالیت‌های صنایع دستی، صنایع خرد، کارگری در فعالیت‌های غیرکشاورزی، گردشگری، خدمات و از این قبیل [۱۴]. پاریاب (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی ضرورت توانمندسازی روستاییان جهت حفظ و توسعه پایدار منابع طبیعی پرداخت و نتایج نشان داد تخریب منابع طبیعی در کشورمان و بهره‌برداری بی‌رویه از مراتع، تخریب جنگل‌ها، استفاده از روش‌های کشاورزی غیردقیق و فشرده و... ناشی از فقدان آگاهی عمومی کشاورزان به استفاده صحیح و احیای منابع طبیعی است و به منظور جلوگیری از گسترش این پیامدهای مخرب منابع طبیعی، استفاده از اقشار مختلف روستایی، از جمله زنان روستایی، ضروری است. با ارائه اطلاعات و آگاهی مناسب به این نیروی انسانی عظیم و تأثیرگذار حفظ، احیاء، توسعه و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی محقق می‌شود [۲]. فال سلیمان، صادقی و موحدی‌پور (۱۳۹۱) به بررسی نقش پروژه ترسیب کرین بر توانمندسازی زنان روستایی در منطقه حسین‌آباد غیناب شهرستان بيشه پرداختند و نشان دادند که این پروژه در افزایش توانمندی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موفق بوده است و بر این اساس با فعالیت پروژه، سطح آگاهی زنان روستایی، تغییر نگرش زنان، افزایش و تنوع فعالیت‌های شغلی، استقلال مالی و مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌ها مطلوب‌تر شده و سیر صعودی داشته‌اند. از بین شاخص‌های بررسی‌شده مربوط به سرمایه‌های انسانی، میزان تحصیلات، میزان آگاهی افراد از امور مختلف مرتبط با منابع طبیعی و نگرش افراد نسبت به فعالیت‌های تولیدی و حفاظت و احیای منابع طبیعی بر تقویت این سرمایه در جامعه مورد

هدف، تأثیر مثبت دارد [۱۰]. مطالعه مهدوی و همکاران (۱۳۹۰) نیز موانع آموزشی، فرهنگی-اجتماعی، ساختاری-اقتصادی و مربوط به نقش همسر را به‌منزله عوامل کاهش‌دهنده میزان مشارکت زنان در حفاظت منابع طبیعی بیان کردند [۲۰].

با توجه به پیشینه پژوهش‌های یادشده، می‌توان دریافت که نیاز به دانش و ظرفیت‌سازی اجتماعی در زمینه‌های مختلف معیشت خانوارهای روستایی دو بعد مهم و لازم برای توانمندسازی زنان جهت مدیریت جامع و مشارکتی یک حوزه آبخیز به شمار می‌روند. در این پژوهش، نیازهای دانشی از لحاظ آگاهی، نگرش و مهارت زنان روستایی و نیاز ظرفیت‌سازی اجتماعی از لحاظ اعتمادسازی، گسترش تعاملات آنان با کنش‌گران بیرونی (دولتی، غیردولتی و بازار)، بهبود هنجارهای مشارکت و تشکل‌سازی آن‌ها بررسی می‌شود.

روش تحقیق

تحقیق حاضر نوعی پژوهش کاربردی کیفی‌گرا بوده و از یک روش‌شناسی مطالعه موردی اکتشافی-تبیینی از نوع طرح تک‌موردی با یک واحد تحلیل استفاده کرده است [۳۳]. داده‌ها با کمک فنون کیفی مبتنی بر رهیافت ارزیابی سریع روستایی (RRA) همچون تحلیل اسناد، تشکیل گروه‌های متمرکز، مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با زنان روستایی، ده‌گردشی، مشاهدات مستقیم، نقشه‌کشی و تحلیل ثروت، تهیه ماتریس زوجی و تحلیل نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدها گردآوری شدند. شاخص‌ها و پرسش‌های مهم پژوهش در جدول ۱ آورده شده است.

این پژوهش در روستای قزل‌تپه علی‌قلی، واقع در دهستان زنجان‌رود بالا، در بخش مرکزی شهرستان زنجان انجام شد. انتخاب روستای مذکور برای پژوهش حاضر به این دلیل انجام گرفت که این روستا یکی از چند روستای مهم مرتبط با حوضه آبخیز قزل‌تپه (آرپاجای) بود. این حوضه، از سوی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان به‌منزله حوزه انتخابی برنامه‌های جامع مدیریت منابع طبیعی انتخاب شده بود. در این زمینه شناسایی مسائل و نیازهای افراد محلی روستای مذکور و توانمندسازی آنان در راستای اجرای برنامه‌های مدیریت جامع جوامع روستایی ضرورت داشت. در فرایند توانمندسازی افراد محلی، با عنایت به لزوم تدوین برنامه‌های همه‌جانبه و مناسب جامعه محلی، زنان و مردان روستایی به‌منزله گروه‌های مخاطب مهم مدیریت جامع در نظر گرفته می‌شوند و در این زمینه لازم بود که به مسائل و نیازهای مختص زنان روستای مذکور توجه شود. در این زمینه، پژوهش‌گران به منظور شناخت عمیق نیازها و مسائل زنان ترجیح دادند در پژوهش حاضر از رویکرد کیفی‌گرا بهره‌گیرند، زیرا شناسایی مسائل عمیق زنان روستایی با استفاده از روش پیمایشی امکان‌پذیر نبود و واقعیت‌های نهفته روستا، به‌ویژه در زمینه زنان روستایی، از طریق روش کمی حاصل نمی‌شد.

جدول ۱. شاخص‌ها و سؤالات مربوط به هریک از آنها

شاخص‌ها	سؤالات/ توضیحات
سطح ثروت و دارایی‌های فیزیکی- مالی خانوارها	مقدار اراضی خانوارها، تعداد دام، تعداد طیور، تعداد کندوی عسل، ماشین‌آلات، تجهیزات آبیاری، مالکیت و نوع واحد مسکونی در شهر و روستا، امکانات زیرساختی و ارتباطاتی هریک از خانوارها مشخص شود.
راهبردهای معیشت خانوارهای روستایی	- وضعیت اشتغال زنان روستایی چگونه است و چه تعداد از زنان روستایی شغل ثابت و متفرقه دارند؟ - وضعیت بهره‌برداری از منابع طبیعی چگونه است؟ - مشاغل غیرکشاورزی (ساختمانی، خدمات کشاورزی، فروشنده‌گی، رانندگی، صنایع دستی) بیان شود.
نقش و توانایی موجود زنان روستایی در هریک از راهبردهای معیشت خانوارهای روستایی	- وضعیت فعالیت زنان در زمینه کشاورزی چگونه است و در این زمینه چه مشکلاتی وجود دارد؟ - وضعیت فعالیت‌های غیرکشاورزی زنان روستایی چگونه است و چه مشکلاتی وجود دارد؟ - زنان روستایی در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی چه توانایی‌هایی دارند (دانش بومی، دسترسی به بازار، ارتباطات، مشارکت و...) - به منظور اشتغال زنان و دختران روستایی برای رفع بیکاری آنان، توانایی‌های آنان چیست؟ - زنان روستایی منطقه چه توانمندی‌هایی در زمینه حفاظت و بهره‌مندی مناسب از منابع طبیعی دارند؟
مشکلات زنان روستایی در انجام هریک از فعالیت‌های بیان‌شده	- مشکلات زنان در زمینه فعالیت‌های کشاورزی چیست؟ - مشکلات زنان روستایی در زمینه کشاورزی و غیرکشاورزی در حیطه دانشی و اجتماعی (ارتباطات، مشارکت و اعتماد و...) بیان و به ترتیب اولویت آنها نیز مشخص شود. - زنان روستایی در زمینه بهره‌برداری از منابع طبیعی و حفاظت از آنها چه مشکلاتی دارند، به‌ویژه در زمینه دانشی و اجتماعی (ارتباطات، مشارکت و اعتماد) و به ترتیب اولویت این مشکلات بیان شود.
تعیین سطح مطلوب مربوط به هریک از مسائل عنوان‌شده	- مشکلات زنان روستایی در زمینه فعالیت‌های غیرکشاورزی در حیطه دانشی و اجتماعی (ارتباطات، مشارکت و اعتماد و...) بیان شود و به ترتیب اولویت آنها نیز مشخص شود. - وضعیت فعالیت زنان روستایی در زمینه کشاورزی و غیرکشاورزی باید چگونه باشد؟ - زنان روستایی در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی باید چه توانایی‌هایی (دانش بومی، دسترسی به بازار، ارتباطات، مشارکت و...) داشته باشند؟ - به منظور اشتغال زنان و دختران برای رفع بیکاری آنان، باید چه توانایی‌هایی داشته باشند؟ - زنان باید چه توانمندی‌هایی در زمینه حفاظت و بهره‌مندی مناسب از منابع طبیعی داشته باشند؟
تعیین نیازهای مربوط به مسائل و ظرفیت‌سازی آنها	- با توجه به فاصله بین وضع موجود و مطلوب مسائل بیان‌شده، نیاز مربوط به هریک از آنها تعیین می‌شود. ظرفیت‌سازی نیازها نیز از طریق پیشنهادها و انتظارات زنان روستایی و کارشناسان فعال در حوضه آبخیز تعیین می‌شود. - اقدامات لازم برای برآورده کردن هریک از نیازها چیست؟
تعیین نیازها بر اساس راهبردهای معیشت	با توجه به راهبردهای مربوط به مسائل عنوان‌شده، راهبردهای نیازها نیز تعیین شد، زیرا نیازها از مسائل ناشی می‌شوند و راهبرد مسائل همان راهبرد نیازهای مربوط به آنان نیز است.
نیازها بر اساس سطح درآمد خانوار	با مشخص شدن مسائل عنوان‌شده از سوی خانوارهای با سطح درآمد مختلف، نیازهای ناشی از مسائل نیز با سطح درآمد مربوط به خانوارها تعیین می‌شود.

جامعه بررسی شده این پژوهش را زنان روستایی تشکیل می‌دادند و در انتخاب آن‌ها از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد [۲۳]. به گونه‌ای که ابتدا زنان روستایی کلیدی با کمک شورای روستا انتخاب شدند و در گروه متمرکزی متشکل از ۱۰ نفر از زنان ابتدا تحلیل ثروت و ترسیم نقشه ثروت خانوارهای روستایی انجام شد. سپس براساس سطح ثروت مشخص شده خانوارها (الف: گروه پایین و ضعیف، ب: گروه متوسط) و براساس راهبردهای معیشت خانوارها (۱. مبتنی بر کشاورزی غیروابسته به مرتع، ۲. کشاورزی وابسته به مرتع و ۳. غیرکشاورزی)، ۱۲ نفر از زنان روستایی برای گروه‌های متمرکز و مصاحبه‌های بعدی انتخاب شدند. در راستای شناخت مشارکتی مسائل و نیازهای زنان در جهت ظرفیت‌سازی دانشی و اجتماعی آنان در مدیریت جامع و پایدار منابع طبیعی، اقدامات ذیل انجام شد:

۱. تحلیل ثروت خانوارها با مشارکت زنان روستایی و تعیین راهبردهای معیشت آنان؛
۲. شناخت مسائل مرتبط با هریک از فعالیت‌های زنان روستایی در گروه‌های درآمدی مختلف و با راهبردهای معیشت مختلف در روستا (جدول ۱)؛
۳. اولویت‌بندی مسائل با استفاده از ماتریس مقایسه زوجی و بررسی پیشنهادی زنان، انتظارات آنان از نهادهای بیرونی، نقاط قوت مرتبط با هر مسئله، فرصت‌های درون روستا و فرصت‌های بیرونی از سوی نهادهای بیرونی برای رفع مسئله و تهدیدهای موجود؛
۴. شناخت وضع مطلوب ایفای نقش زنان روستایی در مدیریت حوزه آبخیز از دید زنان روستایی و کارشناسان مربوطه برحسب نوع ظرفیت دانشی و اجتماعی؛
۵. تحلیل نیازها از طریق شناخت شکاف بین دو وضع موجود و مطلوب و چگونگی ظرفیت‌سازی آن‌ها؛

۶. تحلیل و مقوله‌بندی نیازها برحسب نوع راهبرد معیشت و سطح درآمد خانوارها. براساس پیشنهادی ارائه شده در انجام مطالعات موردی در این پژوهش، تکرار فرایند جمع‌آوری داده‌ها و مراجعه مکرر به روستا در بالابردن روایی بیرونی پژوهش مؤثر بود. علاوه بر این، مشارکت زنان روستایی از مرحله جمع‌آوری داده‌ها تا انتهای فرایند پژوهش به اطمینان از صحت داده‌ها کمک کرد. تأیید پایایی داده‌ها نیز از طریق یادداشت‌برداری دقیق در طی فرایند گردآوری داده‌ها انجام شد. به منظور اطمینان از روایی درونی، دقت و اعتماد به نتایج پژوهش از روش مثلث‌سازی اطلاعات به دست آمده از فنون مختلف استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر مبنای فنون تحلیل استقرایی^۱ انجام شد [۲۳]. به‌طور کلی، تحلیل داده‌ها در دو مرحله انجام شد: الف) حین گردآوری داده‌ها به‌ویژه در امتیازبندی، رتبه‌بندی و ترسیم نقشه تحلیل ثروت خانوارها و اولویت‌بندی مسائل، ب) پس از گردآوری داده‌ها. در تحلیل داده‌ها، ابتدا گفته‌ها و مشاهدات کدبندی و مفهوم‌سازی و سپس مفاهیم در مقوله‌هایی دسته‌بندی شدند.

1. analytic induction

یافته‌های پژوهش

تحلیل ثروت خانوارها

به منظور تحلیل ثروت خانوارهای روستایی بر مبنای سطح سرمایه‌های فیزیکی-مالی خانوارها و امتیازبندی، رتبه‌بندی و طبقه‌بندی آن‌ها، با مشارکت زنان روستایی شاخص‌های تحلیل ثروت بررسی شد. برای هر یک از خانوارها معیارهایی همچون مقدار اراضی زراعی، تعداد دام، مالکیت ماشین‌آلات، تجهیزات آبیاری، مالکیت و نوع واحد مسکونی در شهر و روستا، امکانات زیرساختی و ارتباطاتی، صنایع دستی و دیگر فعالیت‌های مختلف غیرکشاورزی در نظر گرفته شد و خانوارها در هر یک از معیارها امتیاز صفر (در صورت نداشتن معیار مذکور)، امتیاز ۱ (در صورت داشتن معیار مذکور ولی با اندازه یا کیفیت کم)، امتیاز ۲ (در صورت داشتن معیار مذکور ولی با اندازه یا کیفیت نسبتاً بالا) و امتیاز ۳ (در صورت داشتن معیار مذکور با اندازه یا کیفیت بالاتر) طبقه‌بندی شدند. با توجه به اینکه زنان روستایی از سطح اراضی هر خانوار اطلاعاتی دقیقی نداشتند، این داده‌ها در جلسه‌ای مجزا با حضور مردان مطلع روستا برحسب هر خانوار مشخص شدند. سپس این نتایج از سوی پژوهش‌گران در گروه متمرکز زنان گزارش شدند و پس از بحث، اطلاعات مذکور به تحلیل ثروت اضافه شدند. در پایان، براساس امتیازبندی هر یک از معیارهای مذکور، امتیاز کل هر خانوار محاسبه و وضعیت ثروت هر خانوار برآورد شد. سپس براساس مقایسه امتیاز خانوارها، رتبه‌بندی ثروت خانوارها انجام شد. با توجه به امتیازهای خانوارها، رتبه آنان بین دیگر خانوارها تعیین شد؛ به طوری که خانوار با بالاترین امتیاز، رتبه یک را کسب کرد و به همین روال خانوار با امتیاز پایین‌تر نیز رتبه کمتری را به دست آورد. اطلاعات رتبه‌بندی به همراه مشارکت‌کنندگان در کاربرگ‌های مقوایی وارد شد. در مرحله بعد، با توجه به امتیاز کسب‌شده، خانوارها در چهار دسته یا قشر طبقه‌بندی شدند: ۱. قشر بالا، ۲. قشر متوسط، ۳. قشر پایین و ۴. قشر ضعیف. در این فرایند، با توجه به اینکه فعالیت‌ها در خانوارهای مختلف می‌تواند فعالیت جایگزینی داشته باشد، امتیازهای ۱۵-۰ به طبقه ضعیف، ۱۶-۳۰ به طبقه پایین، ۳۱-۵۰ به طبقه متوسط و ۵۱ و بیشتر به طبقه بالا اختصاص داده شد. با توجه به امتیازهای استخراج‌شده خانوارها و مشخص شدن طبقه آن‌ها، ۳۹ خانوار (۳۵/۷۰ درصد) جزء طبقه متوسط، ۶۹ خانوار (۶۳/۳۰ درصد) جزء طبقه پایین و فقط یک خانوار (۰/۹۱ درصد) جزء طبقه ضعیف دسته‌بندی شدند و هیچ‌یک از خانوارها در دسته/قشر بالا قرار نگرفتند. پس از مشخص شدن طبقه و رتبه خانوارها از زنان روستایی، در گروه متمرکز متشکل از زنان روستایی طبقات متوسط، پایین و ضعیف در مورد صحت این یافته پرسش شد. آرای آنان نیز مؤید طبقه‌بندی صحیح خانوارها متناسب با شرایط خانوارها بود. به منظور ترسیم نقشه تحلیل ثروت بر مبنای سطح سرمایه‌های فیزیکی-مالی خانوارهای روستایی، ابتدا با کمک زنان روستایی نقشه داخل روستا و موقعیت خانه‌ها در روستا مشخص شد. به طوری که ابتدا کوچه‌های اصلی و

فرعی روستا ترسیم شد. سپس موقعیت تک تک خانه‌ها و امتیاز ثروت آن‌ها در روستا مشخص شد و به ترتیب همه خانه‌های رسم شده، همسان با شماره خانوارها، در جدول امتیازبندی و تحلیل ثروت شماره گذاری شدند. سپس روی نقشه تهیه شده از روستا، ویژگی‌های مختلف هر یک از خانه‌ها مانند: بافت منازل (آجری- کاه‌گلی)، ساکن و غیرساکن بودن خانوارها، منازل دارای فعالیت‌های فرش بافی، زنبورداری، گاوداران، تراکتورداران و منازل بدون اراضی کشاورزی مشخص شد. برای هر یک از معیارهای تعیین شده با کمک مشارکت کنندگان، علائم خاصی با رنگ جداگانه تعیین شد و در فهرست علائم نقشه مشخص شدند. سپس به منظور ترسیم نقشه تحلیل ثروت بر مبنای معیشت خانوارها، از نقشه تهیه شده قبلی استفاده شد و با مشارکت زنان روستایی برای تک تک منازل معیارهایی همچون زارع بودن خانوار، دامدار بودن خانوار، کارگری در فعالیت‌های کشاورزی، مشاغل غیر کشاورزی (مانند کارگری در امور ساختمانی، رانندگی، نانوايي، فرش بافی، زنبورداری، کارمندی و از این قبیل) مشخص شد. راهبردهای معیشت خانوارها با کمک زنان روستایی در سه دسته طبقه بندی شدند: ۱. فعالیت‌های کشاورزی وابسته به مرتع (دامداری و برداشت و فروش گیاهان دارویی و مرتعی)، ۲. کشاورزی غیروابسته به مرتع (امور زراعی و باغداری، فرآوری محصولات لبنی، باغی و زراعی و خدمات کشاورزی مانند: کارگری کشاورزی و...) و ۳. فعالیت‌های غیر کشاورزی (فعالیت‌های ساختمانی، رانندگی با ماشین شخصی، فرش بافی و تابلو بافی، خیاطی، کارمندی، نانوايي، زنبورداری، پرورش طیور بومی و پرورش گل سرخ). این نقشه کمک کرد که مسائل و نیازهای هر یک از خانوارها بر حسب نوع معیشت و بر حسب محل استقرار خانوارها در روستا به سهولت مشاهده شود.

فعالیت‌های خانوارها و نقش زنان روستایی

کلیه فعالیت‌های کشاورزی اهالی روستای قزل تپه علی قلی عبارت بودند از:

- الف) کاشت، داشت و برداشت محصولات زراعی دیم و درختان میوه؛
 ب) جدا کردن محصولات باغی برداشت شده سالم و ناسالم (زردآلو، گردو و انگور و...) و فرآوری و خشک کردن آن‌ها؛
 پ) دامداری: پرورش گوسفند، بره، بز و بزغاله، طیور بومی، گاو و گوساله و زنبور عسل؛
 ت) برداشت گیاهان دارویی و خوراکی از مراتع عمدتاً جهت مصرف خانوار و در حد کمی برای فروش و پرورش و برداشت گل سرخ؛
 ث) فرآوری محصولات لبنی، تهیه ترشیجات و مربا بیشتر برای مصرف خانوار و در حد بسیار کم برای فروش.

از بین فعالیت‌های بیان شده در روستای ذکر شده، زنان روستا در زمینه کشاورزی در فعالیت‌هایی همچون برداشت محصولات دیم (مانند عدس و نخود) و محصولات باغی،

جدا کردن محصولات باغی برداشت شده و خشک کردن و فرآوری آن‌ها، فروش خشکبار حاصل از محصولات باغی، فروش محصولات لبنی، برداشت و فروش جزئی گیاهان دارویی و مرتعی، فروش جزئی محصولات فرآوری شده (مربا، انواع ترشیجات و...) فعالیت داشتند؛ به طوری که فروش گل سرخ از سوی خود زنان به بازار شهر یا دوره گردها انجام می‌شد. همچنین، در زمینه دامداری (گاو، گوساله، گوسفند، بز، بره و بزغاله) که در ۴۸ خانوار انجام می‌شد، زنان در آماده و خرد کردن علوفه برای دام‌ها، شیردوشی، کمک به هنگام زایمان دام‌ها، در نبود مردان خانوار، و تمیز کردن محل نگهداری دام‌ها نقش داشتند. پرورش طیور بومی اعم از جوجه‌کشی، نگهداری طیور (بهداشت و تغذیه)، فروش مرغ و تخم‌مرغ حاصل از پرورش طیور بومی، همچنین فرآوری بومی و فروش محصولات لبنی (تهیه ماست، پنیر، کره، کشک، سرشیر و دوغ محلی) عمدتاً به وسیله زنان روستا انجام می‌شد. زنان روستا نیز در دو سال اخیر در پرورش گل سرخ (در مرحله برداشت محصول) فعالیت داشتند. شایان توجه است که کلیه فعالیت‌ها در این روستا جزء فعالیت‌های عمده اهالی روستا بود و به طور اختصاصی پرورش زنبور عسل و پرورش گل سرخ فقط از سوی چند خانوار محدود انجام می‌گرفت. فعالیت غیرکشاورزی زنان نیز عبارت بودند از: بافت فرش دست‌باف و تابلوفرش ابریشمی، خیاطی به طور مقدماتی صرفاً در چند خانوار و فروشندگی دو خانوار در مغازه.

مسائل و مشکلات زنان روستایی در انجام دادن فعالیت‌های مختلف و تحلیل نیازها

براساس نقل قول‌های زنان، کدها یا مفاهیمی استخراج شد که نشان‌دهنده مسائل مربوط به فعالیت‌های آنان است. چند نمونه نقل قول زنان در مورد مسائل عنوان شده در جدول ۲ آورده شده‌اند. این مسائل همچنین برحسب نوع ظرفیت معیشت خانوارها مقوله‌بندی یا طبقه‌بندی شده‌اند؛ مثلاً، در زمینه برداشت محصولات باغی نقل قول بیان شده به شرح ذیل است:

هرچند محصول سیب چندانی نداریم، ولی موقع چیدن اون زیاد توجه نمی‌کنیم بند (چوب) میوه از میوه جدا نشه، چون برای مصرف خودمونه.

از نقل قول بیان شده، مسئله ناآگاهی در زمینه برداشت صحیح محصولات باغی حاصل شد که جزء مقوله‌های دانشی طبقه‌بندی شد. از مسائل مهم استخراج شده، که در جدول ۳ آمده‌اند، عبارت بودند از: عدم دسترسی، ارتباط و تعاملات مناسب با بازار خشکبار، محصولات لبنی و گیاهان دارویی؛ بی‌اعتمادی اهالی روستا به یکدیگر برای فروش عمده محصولات (خشکبار، محصولات لبنی و گیاهان دارویی) به یک یا چند نفر از اهالی روستا؛ کم‌رنگ بودن تعاملات و ارتباطات بین زنان روستایی جهت حفاظت از منابع طبیعی؛ ناهماهنگی و نبود تشکل قوی بین زنان برای چانه‌زنی تأمین نهاده‌ها، تأمین منابع مالی و حفظ منابع طبیعی؛ ناآگاهی زنان از روش‌های حفاظت منابع طبیعی.

جدول ۲. نقل قول‌های زنان در مورد مسائل بیان شده در روستای قزل تپه علی قلی

نقل قول‌ها	مشکل (مفاهیم)	مقوله: زمینه مسئله	مقوله: نوع ظرفیت
هرچند محصول سیب چندانی نداریم، ولی موقع چیدن اون زیاد توجه نمی‌کنیم بند (چوب) میوه جدا نشه، چون برای مصرف خودمونه.	ناآگاهی در زمینه برداشت صحیح محصولات باغی	برداشت محصولات باغی	دانشی
در زمان خشک کردن، زردآلو یا آلو رو روی یک پارچه جلوی آفتاب قرار می‌دیم تا خشک بشه.	ناآگاهی مناسب در خشک کردن بهداشتی و بازارپسند محصولات باغی	خشک کردن محصولات باغی	دانشی
به خاطر فروش محصولات خشک شده، مخصوصاً نمی‌تونیم به شهر بریم، مگر اینکه در شهر کار داشته باشیم و خشکبارها رو هم با خودمون برای فروش به شهر ببریم که در این صورت هم هر مغازه بگیریم خشکبار برای فروش داریم یا از ما نمی‌خره یا قیمت پایین پیشنهاد می‌ده.	عدم دسترسی و ارتباط و تعاملات مناسب با بازار خشکبار	فروش خشکبار	اجتماعی
هیچ وقت به هم اعتماد نمی‌کنیم تا محصولات خشکبارمون رو به یک نفر بفروشیم تا اون محصولات رو یکجا بخره و در شهر بتونه در صورت شناخت مناسب فروشگاه مناسب، اون‌ها رو به فروش برسونه و مقداری هم خودش سود کنه، چون همه اهالی شک می‌کنن که شاید اون فرد بقیه رو می‌خواد فریب بده و به سود خیلی زیاد برسه.	بی‌اعتمادی به یکدیگر برای فروش عمده خشکبار به یک یا چند نفر از اهالی روستا	فروش عمده خشکبار	اجتماعی
ما با توجه به مقدار شیر که از گوسفندان برداشت می‌کنیم، محصولات مختلف لبنی (ماست، پنیر، کره محلی، دوغ محلی و...) تهیه می‌کنیم، اما چون چندان فروش خارج از روستا نداریم، با توجه به نیاز مشتری‌های داخل روستا و در یک ظرف معمولی محصولاتمون رو به فروش می‌رسونیم (صحبت‌های جمعی زنان روستا).	ناآگاهی لازم در زمینه فرآوری متناسب با نیاز بازار مصرف و بسته‌بندی محصولات لبنی	فرآوری محصولات لبنی	دانشی
محصولات لبنی رو بیشتر در روستا به اطرافیان و همسایه‌هامون می‌فروشیم و اگر محصول لبنی بیشتری هم داشته باشیم، در شهر فروشگاه‌هایی که به قیمت مناسب از ما محصول بخره رو نمی‌شناسیم.	دسترسی نداشتن و ارتباط نامناسب با بازار محصولات لبنی	فروش محصولات لبنی	اجتماعی

پس از مشخص شدن هریک از مسائل، سطح مطلوب مربوط به هر مسئله از سوی زنان روستایی و کارشناسان بررسی شد. از دیدگاه زنان روستایی، وضعیت مطلوب مربوط به مسائل دانشی زنان باید در جهتی هدایت شود که آن‌ها در مورد هریک از زمینه‌های شناسایی شده، مطابق جدول ۳، از آگاهی، مهارت و نگرش کافی برخوردار و ظرفیت اجتماعی لازم را داشته باشند.

با مقایسه وضع موجود و وضع مطلوب هریک از مسائل بیان شده و تعیین شکاف بین دو وضع ذکر شده، نیازها یا ظرفیت‌های مورد نیاز هریک از مسائل مشخص و براساس نوع ظرفیت‌های دانشی و اجتماعی معیشت خانوارها طبقه‌بندی شدند که در جدول ۳ آورده شده‌اند. سپس براساس تحلیل ماتریس زوجی این نیازها اولویت‌بندی شدند و براساس پیشنهاد‌های زنان روستایی و کارشناسان مربوطه ظرفیت‌سازی آن‌ها تعیین شد. مهم‌ترین نیازهای زنان روستایی به ترتیب عبارت بودند از: ۱. بهبود وضع دسترسی و ارتباط زنان روستا به بازار محصولات لبنی برای فروش آن‌ها؛ ۲. بهبود وضع دسترسی و ارتباط روستاییان و زنان به بازار فرش؛ ۳. بهبود وضع دسترسی، ارتباط و تعامل زنان روستا با بازار فروش خشکبار و بهبود وضع آگاهی به‌روز و مهارت زنان در زمینه فرصت‌های جدید اشتغال غیرکشاورزی به‌ویژه خیاطی، صنایع دستی و آرایشگری در روستا؛ ۴. بهبود دانش و مهارت زنان در زمینه فرآوری محصولات لبنی پر مصرف و بسته‌بندی مناسب محصولات لبنی؛ ۵. بهبود دانش و مهارت زنان روستایی در زمینه فعالیت‌های موجود و نوین کشاورزی همچون پرورش قارچ، طیور صنعتی، پرورش گیاهان دارویی و مرتعی، پرورش صحریح گل محمدی و عرق‌گیری و اسانس‌گیری از آن و بهبود دانش و مهارت زنان روستا برای بافت فرش‌های با طرح و نقشه‌های به‌روز؛ ۶. بهبود دانش و مهارت زنان برای برداشت محصولات باغی مختلف، بهبود دانش و مهارت زنان برای تهیه محصولات خشکبار باغی، بهبود وضع دسترسی و ارتباط زنان روستا به بازار گیاهان دارویی برای فروش آن‌ها؛ ۷. بهبود وضع اعتماد اهالی روستا به یکدیگر برای فروش عمده محصولات لبنی، گیاهان دارویی و خشکبار به گروهی از اهالی روستا؛ ۸. بهبود سطح سواد زنان روستایی برای کسب اطلاعات کشاورزی و غیرکشاورزی؛ ۹. بهبود دانش زنان در مورد روش‌های حفاظت از منابع طبیعی. شایان ذکر است که برخی از نیازها از جمله بهبود دانش و نگرش صحیح زنان به تأثیرات منفی مدیریت نادرست ضایعات در محیط روستا از طریق مشاهدات پژوهش‌گر در محیط روستا و مطالعات پیشین شناسایی شدند که در ماتریس زوجی از سوی زنان مورد مقایسه قرار نگرفتند و در جدول مربوطه نیز امتیاز و رتبه این نیازها بیان نشده است. همچنین، نیازهای استخراج شده با در نظر گرفتن سطح طبقه خانوارهای زنان روستایی حاکی از آن است که کلیه نیازها در خانوارهای روستایی با سطح درآمد متوسط و پایین مشترک بودند.

جدول ۳. وضعیت موجود و وضعیت مطلوب زنان و نیاز استخراج شده از آن در روستای قزل تپه علی قلی

رتبه **	امتیاز *	نیاز	وضع مطلوب	مسئله / وضع موجود
۶	۱۰	بهبود دانش و مهارت زنان برای برداشت محصولات باغی مختلف	داشتن آگاهی و مهارت مناسب در برداشت محصولات باغی	ناآگاهی در زمینه برداشت صحیح محصولات باغی
۶	۱۰	بهبود دانش و مهارت زنان برای تهیه محصولات خشکبار باغی	داشتن آگاهی و مهارت کافی در تهیه محصولات خشکبار باغی	ناآگاهی مناسب در خشک کردن بهداشتی و بازاری پسند محصولات باغی
۳	۲۴	بهبود وضع دسترسی، ارتباط و تعامل زنان روستا با بازار فروش خشکبار	دسترسی داشتن به بازار و داشتن ارتباط و تعامل مناسب زنان با بازار فروش خشکبار	دسترسی نداشتن و ارتباط و تعاملات نامناسب با بازار خشکبار
۷	۸	بهبود وضع اعتماد اهالی روستا به یکدیگر برای فروش عمده خشکبار به گروهی از اهالی روستا	وجود اعتماد بالا بین زنان برای فروش عمده خشکبار به گروهی از اهالی روستا	بی اعتمادی به یکدیگر برای فروش عمده خشکبار به یک یا چند نفر از اهالی روستا
۴	۱۶	بهبود دانش و مهارت زنان در زمینه فرآوری محصولات لبنی پرمصرف و بسته بندی مناسب محصولات لبنی	داشتن آگاهی و مهارت لازم در فرآوری و بسته بندی مناسب محصولات لبنی پرمصرف	ناآگاهی لازم در زمینه فرآوری و بسته بندی متناسب با نیاز بازار مصرف
۱	۳۲	بهبود وضع دسترسی و ارتباط زنان روستا به بازار محصولات لبنی	دسترسی و ارتباط مناسب زنان به بازار محصولات لبنی	دسترسی نداشتن و ارتباط نامناسب با بازار محصولات لبنی
۷	۸	بهبود وضع اعتماد اهالی روستا به یکدیگر برای فروش عمده محصولات لبنی به گروهی از اهالی روستا	وجود اعتماد بالا بین اهالی روستا و زنان به یکدیگر برای فروش عمده محصولات لبنی به گروهی از اهالی روستا	بی اعتمادی به یکدیگر برای فروش عمده محصولات لبنی به یک یا چند نفر از اهالی روستا
۲	۲۸	بهبود وضع دسترسی و ارتباط روستاییان و زنان به بازار فرش	دسترسی داشتن روستاییان و زنان به بازار فرش و ارتباط داشتن آنان با بازار فرش	دسترسی نداشتن به بازار مناسب و ارتباط مناسب با بازار فرش
۵	۱۲	بهبود دانش و مهارت زنان روستا برای بافت فرش های با طرح و نقشه های روز	آگاهی و شناخت مناسب زنان از طرح و نقشه های روز فرش و داشتن مهارت لازم برای بافت	ناآگاهی زنان روستا از طرح و نقشه های به روز فرش و محافظه کار بودن واسطه ها
۶	۱۰	بهبود وضع دسترسی و ارتباط زنان روستا به بازار گیاهان دارویی برای فروش آنها	دسترسی داشتن زنان به بازار و داشتن ارتباط مناسب آنان با بازار فروش گیاهان دارویی و خوراکی	دسترسی و ارتباط نداشتن با بازار مناسب برای فروش گیاهان دارویی

ادامه جدول ۳. وضعیت موجود و وضعیت مطلوب زنان و نیاز استخراج شده از آن در روستای قزل تپه علی قلی

۷	۸	بهبود وضع اعتماد اهالی روستا به یکدیگر برای فروش عمده گیاهان دارویی و خوراکی برداشت شده به گروهی از اهالی روستا	وجود اعتماد بالا بین اهالی روستا و زنان نسبت به یکدیگر برای فروش عمده گیاهان دارویی و خوراکی برداشت شده به گروهی از اهالی روستا	بی اعتمادی زنان به یکدیگر برای فروش عمده گیاهان دارویی به یک یا چند نفر از اهالی روستا
۳	۲۴	بهبود وضع آگاهی روز و مهارت زنان در زمینه فرصت های جدید اشتغال غیرکشاورزی	آگاهی و مهارت روز زنان در مورد فرصت های جدید اشتغال غیرکشاورزی همچون خیاطی، صنایع دستی و آرایشگری	ناآگاهی زنان در مورد فرصت های جدید اشتغال غیرکشاورزی و کمبود مهارت انجام آن ها
-	-	بهبود وضع ارتباط و تعامل زنان روستایی با یکدیگر به منظور حفاظت از منابع طبیعی	ارتباط و تعامل داشتن زنان با یکدیگر در جهت حفاظت از منابع طبیعی مختلف	تعاملات و ارتباطات کم رنگ بین زنان روستایی جهت حفاظت از منابع طبیعی
-	-	بهبود شرایط برای ایجاد تشکل قوی بین زنان به منظور ارتباط و تعامل با بازار، کسب منابع مالی مورد نیاز فعالیت های مختلف و به کارگیری روش های حفظ منابع طبیعی	داشتن تشکل قوی جهت چانه زنی با بازار خرید نهاده ها و فروش محصولات و تأمین منابع مالی فعالیت های آن ها و به کارگیری روش های مناسب حفظ منابع طبیعی	ناهماهنگی و نبود تشکل قوی بین زنان برای چانه زنی تأمین نهاده ها، تأمین منابع مالی و حفظ منابع طبیعی
۹	۲	بهبود دانش زنان از روش های حفاظت منابع طبیعی	آگاهی داشتن زنان از روش های حفاظت منابع طبیعی	ناآگاهی زنان از روش های حفاظت منابع طبیعی
-	-	تغییر نگرش و شناخت روستاییان در زمینه مدیریت زباله ها و کودهای دامی محیط داخل و اطراف روستا	شناخت کافی و نگرش مساعد زنان در مورد پراکنده نبودن زباله ها و فضولات دامی در محیط روستا	کم اهمیت تلقی شدن پراکنده گی زباله ها و فضولات دامی در محیط روستا
۵	۱۲	بهبود دانش و مهارت زنان روستایی در زمینه فعالیت های موجود و نوین کشاورزی	آگاهی و مهارت زنان روستایی در زمینه فعالیت های موجود و نوین کشاورزی: پرورش قارچ، طیور صنعتی، پرورش گیاهان دارویی گل محمدی و عرق گیری و اسانس گیری	ناآگاهی زنان در زمینه فعالیت های موجود و نوین کشاورزی
۸	۴	بهبود سطح سواد زنان روستایی برای کسب اطلاعات کشاورزی و غیر کشاورزی	سطح سواد بالای زنان روستایی برای کسب اطلاعات کشاورزی و غیر کشاورزی	پایین بودن سطح سواد زنان روستایی

*امتیاز حاصل از ماتریس زوجی **رتبه حاصل از ماتریس زوجی

ظرفیت‌سازی برای برآورده کردن نیازها

پس از مشخص شدن اولویت‌بندی نیازها از سوی زنان، پیشنهادهای و انتظارات زنان روستایی برای رفع مسائل و برآورده کردن نیازها ارائه شد و در این زمینه فرصت‌ها، نقاط قوت، نقاط ضعف و تهدیدها مربوط به هر مورد تحلیل شد. مثلاً، در مورد مشکل دسترسی نداشتن و ارتباط نامناسب با بازار فروش محصولات لبنی، که در جدول ۴ آورده شده است، به دلیل ناتوانی روستاییان در مدیریت و حل این مسئله، انجام دادن اقدامات و حمایت‌های لازم از سوی ادارات و نهادهای مربوطه (همچون جهاد کشاورزی و اداره منابع طبیعی) ضروری بود. با توجه به پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بالایی که در روستا از نظر دامداری و فعالیت‌های وابسته به آن، مانند فرآوری محصولات لبنی توسط زنان روستایی وجود داشت، و اولویت‌بندی که از طرف خود روستاییان انجام گرفته، این مسئله مهم‌ترین مسئله زنان روستا بیان شده است. راهکار ارائه شده از سوی کارشناسان مربوطه برای حل این مسئله، ایجاد تشکلی مردم‌نهاد و قوی در روستاست تا از طریق آن زنان بتوانند بازار هدف مناسب را شناسایی کنند و محصولات خود را با کیفیت و قیمت مناسب‌تری به فروش برسانند.

برآورده کردن نیازهای دانشی مستلزم ظرفیت‌سازی آن است. طبق پیشنهاد زنان روستایی از طریق تهیه و ارائه برنامه‌های آموزشی- ترویجی با کمک فنون گروهی از جمله برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های ترویجی به زبان محلی و ارائه برنامه‌های تهیه شده از طریق رسانه‌های جمعی، به‌ویژه تلویزیون و رادیو استانی، می‌توان در جهت کاهش یا رفع نیازهای مرتبط با برداشت و فرآوری محصولات باغی و لبنی، فعالیت‌های نوین کشاورزی، روش‌های حفاظت از منابع طبیعی و بهبود مسئله پراکندگی زباله‌ها و فضولات دامی در محیط روستا گام برداشت. علاوه بر این، به‌کارگیری فنون انفرادی به‌وسیله کارشناسان ترویج در حیطه‌های مذکور از طریق سازمان جهاد کشاورزی، اداره منابع طبیعی و دیگر کنش‌گران مرتبط مطرح شد. نیازهای دانشی زنان در زمینه شناخت و تهیه طرح و نقشه‌های به‌روز فرش‌بافی را می‌توان از طریق برنامه‌های ترویجی سازمان‌هایی همچون اتحادیه فرش‌بافی و سایر کنش‌گران مربوط به فرش‌بافان روستایی برآورده کرد. همچنین، نیازهای دانشی- مهارتی مربوط به فرصت‌های اشتغال غیرکشاورزی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی- ترویجی مختلف همچون خیاطی، صنایع دستی و آرایشگری، به‌ویژه از سوی مربی‌های سازمان فنی و حرفه‌ای یا کارآفرینان خصوصی قابل رفع بود. نیاز مربوط به سطح دانش و سواد زنان نیز از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی نهضت سوادآموزی از طریق سازمان آموزش و پرورش برآورده می‌شد.

جدول ۴. تحلیل انتظارات و پیشنهادهای زنان درباره مشکل دسترسی نداشتن و ارتباط نامناسب با بازار

مشکل: دسترسی نداشتن و ارتباط نامناسب با بازار در فروش محصولات لبنی

پیشنهادهای زنان برای رفع مشکل:

- ایجاد شعبه خرید محصولات لبنی به ویژه خرید شیر در روستا
- معرفی فروشگاههای معتبری در شهر به روستاییان از سوی ادارات مربوطه تا محصولات لبنی به آن فروشگاه با قیمت مناسبتر ارائه شود.

انتظارات زنان از سازمانها و ارگانهای مربوطه برای رفع مشکل:

- تأسیس شعبه خرید محصولات لبنی، به ویژه شیر، در روستا
- فراهم شدن شرایطی از سوی ادارات مربوطه جهاد کشاورزی (واحد دام)، اداره منابع طبیعی (واحد رسیدگی به امور دامپروری و...) که فروشگاههای معتبری در شهر به روستاییان معرفی شود تا محصولات لبنی خود را به آن فروشگاه با قیمت مناسبتر ارائه دهند.

نقاط قوت:

- توانایی پرورش و نگهداری دامها از سوی خانوارها (زنان و دختران خانوارها)
- توانایی فرآوری محصولات لبنی به طور محلی
- دامدار بودن برخی خانوارها
فرصت‌های درونی: توانایی‌های موجود در خانوارها، روستا و تشکلهای درونی

فرصت‌های بیرونی:

کمک‌ها، حمایت‌ها و پتانسیل‌های سازمان‌های بیرونی:
- امکان استفاده از کارشناسان واحد دامپروری اداره جهاد کشاورزی جهت راهنمایی روستاییان برای فروش و عرضه محصولات لبنی به فروشگاه‌های مورد قرارداد با اداره جهاد کشاورزی وجود دارد.
- امکان تلاش کارشناسان جهاد کشاورزی برای تأسیس شعبه خرید محصولات لبنی در روستا وجود دارد.

تهدیدها:

- به فروش نرفتن محصولات لبنی و فروش با قیمت پایین‌تر به اهالی روستا که دامداری ندارند.
- محصولات با قیمت پایین‌تر به دوره‌گردها عرضه می‌شود.
- دامداران در آینده‌ای نه‌چندان دور فعالیت دامداری را رها می‌کنند.

طبق پیشنهادهای زنان روستایی برای ظرفیت‌سازی موضوعات اجتماعی، برآورده کردن نیازهای مربوط به سرمایه اجتماعی بین زنان یا خانوارهای روستایی در زمینه اعتماد و ارتباط باهم جهت هماهنگی و تعامل با یکدیگر از طریق دخالت مستقیم نهادها و سازمان‌های بیرونی، همچون سازمان جهاد کشاورزی، قابل رفع بود؛ به طوری که این سازمان در جهت منافع تولیدکنندگان روستایی، در مرحله اول بازار مناسب خرید محصولات را شناسایی و جهت عقد قرارداد در زمینه محصولات مختلف (اعم از: محصولات خشکبار، لبنی و گیاهان دارویی) اقدام کند و در مرحله بعد محصولات تولیدشده از سوی زنان روستایی به وسیله این نهاد به بازار عرضه شود. در صورتی که امکان خرید مستقیم محصولات از سوی سازمان یا نهاد ذی‌ربط امکان پذیر نباشد، شرایطی برای معرفی تولیدکنندگان به خریداران مورد تأیید سازمان‌ها برای کاهش مداخله واسطه‌ها و سود بیشتر روستاییان معرفی شود. همچنین، طبق پیشنهاد زنان با

ایجاد شعبه خرید محصولات لبنی در روستا نیاز مربوط به برقراری ارتباط با بازار محصولات لبنی رفع می‌شود.

به نظر می‌رسد مداخله نهاد یا سازمان بیرونی برای خرید و فروش محصولات تولیدشده از سوی روستاییان موجب وابستگی بیشتر زنان به این گونه نهادها می‌شود، بنابراین نمی‌تواند در رفع مسئله چندان تأثیر زیادی داشته باشد. در این راستا، می‌توان با ایجاد تشکلهای محلی زنان و فراهم‌شدن شرایط برای برقراری ارتباط مستقیم زنان با بازار و کسب مهارت چانه‌زنی از سوی آنان بر این مشکل فایق آمد. این راهکار از سوی کارشناسان نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. این امر موجب می‌شود زنان عضو تشکلهای بازار و نیازهای بازار را به صورت جمعی شناسایی کنند و محصولات خود را مطابق شرایط آن تولید و فرآوری کنند. براساس افزایش قدرت چانه‌زنی افراد، محصولات با قیمت و شرایط بهتری به فروش خواهد رسید. در نهایت نیز، می‌توانند مطابق با قوانین مشخص‌شده در هر تشکل، درصدی از فروش محصولات را در صندوق خرد تشکل ذخیره کنند تا زمینه برای انجام‌دادن فعالیت‌های دیگر نیز فراهم شود. براساس پیشنهادهای زنان، ظرفیت‌سازی اجتماعی نیازهای مرتبط با اعتمادسازی بین زنان روستایی نیز از طریق نظارت و دخالت مستقیم نهادهای بیرونی همچون سازمان جهاد کشاورزی قابل انجام بود؛ به طوری که برای فروش جمعی محصولات به یک نفر یا چند نفر از اهالی روستا یا به تشکل زنان، یکی از پرسنل اداره جهاد کشاورزی یا افراد روستا با نظارت این اداره برای مدت‌زمان خاصی مسئولیت فروش عمده محصولات را برعهده گیرد، تا زنان به تدریج به طور عینی تفاوت ارزش افزوده فروش محصول به طور عمده را با فروش محصول به دوره‌گردها مشاهده کنند. این امر به مرور موجب ایجاد اعتماد به تشکلهای افراد داوطلب خریدار محصولات و همچنین زنان روستایی می‌شود. از دیدگاه کارشناسان نیز، ایجاد تشکلهای جمعی برای فروش عمده محصولات مختلف تولیدشده در روستا برای ایجاد اعتماد بین زنان همچنین ایجاد انسجام، هماهنگی و قدرت چانه‌زنی آنان بسیار تأثیرگذار خواهد بود. این امر در نهایت موجب سهولت در شناخت بازار محصولات مختلف، برقراری ارتباط با کانال‌های بازار محصولات و کسب منابع مالی مورد نیاز از نهادهای بیرونی و برقراری ارتباط و هماهنگی بین زنان با یکدیگر در جهت حفظ منابع طبیعی خواهد شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت وضعیت فعالیت زنان روستای مطالعه‌شده در زمینه‌های مختلف، متفاوت است؛ به طوری که برخی از زنان در زمینه فعالیت‌های غیرکشاورزی همچون فرش‌بافی و تابلوبافی فعال‌اند و برخی از آنان به فعالیت‌های کشاورزی وابسته‌اند. در خانوارهای با فعالیت کشاورزی، زنان فقط در برداشت محصولات نقش دارند و در زمینه دامداری نیز

شیردوشی و فرآوری محصولات لبنی را انجام می‌دهند. اما زنان خانوارهای بدون فعالیت کشاورزی و دامداری اغلب به فعالیت فرش‌بافی و مردان آنان نیز به فعالیت‌های خدماتی مشغول‌اند. حضور زنان روستایی در انجام‌دادن این نقش‌ها نشان‌دهنده آن است که می‌توان با بهبود قابلیت‌ها و ظرفیت‌های زنان در این زمینه‌ها، به توسعه فعالیت‌های کشاورزی و مدیریت منابع طبیعی کمک کرد.

نیازهای مربوط به ناآگاهی و دانش در مورد برداشت و فرآوری محصولات باغی و لبنی مختص خانوارهای باغدار و دامدار است، ولی ضعف دانش در زمینه روش‌های حفظ منابع طبیعی، فعالیت‌های نوین غیرکشاورزی و کشاورزی نوین، سطح سواد زنان و نگرش تک‌تک زنان به مدیریت زباله‌ها و فضولات دامی در محیط روستا به همه زنان روستا مربوط می‌شود. با توجه به اینکه روستای مطالعه‌شده از منابع طبیعی ارزشمندی برخوردار است و با توجه به فعالیت‌های معیشت موجود و تأثیری که بر منابع طبیعی می‌گذارند، ضعف دانش و آگاهی زنان در زمینه‌های مذکور خسارات جبران‌ناپذیری را بر منابع مختلف، به‌ویژه منابع طبیعی منطقه، می‌گذارد. نتایج ارائه‌شده در مطالعه‌های اکبری و غلامی (۱۳۹۲)، غنیان و قدیری معصوم (۲۰۱۰)، وثوقی و قاسمی (۱۳۹۱)، پاریاب (۱۳۹۳)، رضایی و صفا (۱۳۹۱) و سازمان غیردولتی داوطلبان افریقا (۲۰۰۹)، ضرورت دانش‌افزایی روستاییان در زمینه‌های مختلف بیان‌شده را تأیید می‌کنند. در مطالعه مهدوی و همکاران (۱۳۹۰) نیز بر ضعف دانش زنان روستایی و تأثیر آن بر میزان بهره‌برداری از محصولات فرعی جنگل‌ها و مراتع تأکید شده است [۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰]. به‌طور کلی، می‌توان بیان کرد سطح سواد زنان روستایی، میزان آگاهی آنان از فعالیت‌های مختلف و نگرش افراد به مدیریت محیط زیست بر تقویت این سرمایه در جامعه روستایی کمک می‌کند. نتیجه مذکور در مطالعه فال سلیمان و همکاران (۱۳۹۱) نیز بیانگر وابستگی بین میزان تحصیلات، میزان آگاهی افراد از امور مختلف مرتبط با منابع طبیعی و نگرش افراد به فعالیت‌های تولیدی و حفاظت و احیای منابع طبیعی است [۱۰].

اما نیازهای مربوط به ظرفیت اجتماعی (ارتباط‌نداشتن با بازار محصولات و بی‌اعتمادی بین زنان) تقریباً برای همه خانوارهای روستا وجود دارد و نیازمند اعتمادسازی و ایجاد روابط و تعامل مناسب با بازار محصولات‌اند که این امر مهم از طریق توجه نهادهای بیرونی به زنان روستایی و کمک به آنان برای ایجاد تشکل قوی به منظور تأمین منابع مالی و نهاده‌ها و تعامل با کنش‌گران بیرونی ضروری است. اغلب نیازهای زنان این روستا مربوط به نبود هماهنگی و انسجام بین آنان است که با ایجاد سازمان غیردولتی در روستا، تشکل جمعی، تعاونی زنان و از این قبیل قابل رفع‌اند. به‌طور کلی، برای زنان امکان حضور در فعالیت‌های محدودی همچون فرش‌بافی وجود دارد. اما در زمینه فعالیت‌های جمعی نقشی ندارند و وجود چنین وضعیتی موجب وابستگی خانوارها به فعالیت‌های کشاورزی، دامداری یا خدماتی می‌شود که این امر

نتایج چندان مطلوبی برای خانوارها از لحاظ درآمد و برای حفظ منابع طبیعی نیز ندارد، زیرا بهره‌کشی خانوارها از منابع طبیعی موجود روزبه‌روز بیشتر می‌شود و خانوارها نیز از لحاظ مالی چندان تأمین نمی‌شوند. این یافته‌ها با نتایج مطالعه کرمی دهکردی (۱۳۹۴) در زمینه حاشیه بازار محصولات کشاورزی، فرش و ضایعات کشاورزی، بی‌اعتمادی مردم به یکدیگر و به کشاورزان همروستایی، اعضای خانوار و اعضای شورا و کنش‌گران بیرونی در منطقه مطالعه‌شده پژوهش و نبود مشارکت و هماهنگی بین خانوارهای روستایی در قالب همیاری‌های محلی در چرای دام، بهره‌برداری از آب کشاورزی و شرب، فعالیت‌های کشاورزی، لایروبی کانال‌ها و فعالیت‌های عمرانی روستا هم‌سویی دارد. بنابراین، باید به دنبال فعالیت‌های جایگزین معیشت در جوامع روستایی بود تا از وابستگی خانوارها و معیشت آنان به فعالیت‌های کشاورزی و دامداری کاست [۱۴].

بر پایه یافته‌های پژوهش پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

۱. در راستای افزایش دانش و آگاهی زنان در زمینه‌های گوناگون توجه نهادهای بیرونی به‌ویژه سازمان جهاد کشاورزی و اداره کل منابع طبیعی و آب‌خیزداری باید بر برگزاری کارگاه‌ها، جلسات و دوره‌های ترویجی با استفاده از فنون مشارکتی، حضور مروجان کشاورزی و منابع طبیعی در منطقه و به‌کارگیری رسانه‌های جمعی همچون تلویزیون، رادیو، نشریات ترویجی برای زنان روستایی باسواد و پیامک‌های تلفن همراه باشد؛
۲. در زمینه اطلاع‌رسانی به بافندگان فرش در روستاها نیز پیشنهاد می‌شود نهادهای بیرونی همچون اتحادیه فرش‌بافی اطلاعات مناسب و به‌روز را در مورد طرح و نقشه‌های روز فرش به فرش‌باخان روستایی ارائه دهند؛
۳. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در زمینه نیازهای مربوط به ارتباط و تعامل با بازار محصولات، اعتمادسازی بین اهالی، ارتباط و تعامل زنان با یکدیگر برای حفظ منابع طبیعی باید در روستای مطالعه‌شده تشکل قوی بین زنان ایجاد شود و با نظارت نهادهای دولتی و تأمین برخی اعتبارات، تشکل جمعی مذکور شروع به فعالیت کند؛
۴. برای ایجاد و تقویت این تشکل‌ها، نهادهای بیرونی همچون اداره جهاد کشاورزی، اداره کل منابع طبیعی، خیریه‌ها و سایر نهادهای مرتبط باید در مراحل اولیه بازاریابی محصولات مختلف، تأمین منابع مالی اولیه، حسابرسی و سایر خدمات لازم به زنان روستایی کمک کنند، اما مسئولیت اصلی فروش محصولات در بازار برعهده خود زنان و خانوارهایشان گذاشته شود تا بتوانند به‌طور مناسب از توانایی‌های خود بهره‌گیرند.

منابع

- [۱] اکبری، سید محمدرضا؛ غلامی، مینا (۱۳۹۲). «بررسی نقش زنان در ترویج کشاورزی و تأثیر آن بر توسعه روستایی»، همایش ملی پدافند غیرعامل در بخش کشاورزی، ۳۰ آبان ۱۳۹۲، قشمر.
- [۲] پاریاب، جابر (۱۳۹۳). «ضرورت توانمندسازی روستاییان جهت حفظ و توسعه پایدار منابع طبیعی»، سومین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، ۲۲ و ۲۳ مرداد ۱۳۹۳، همدان.
- [۳] توفیقیان اصل، سید فرج‌اله؛ میزبان، مهدی (۱۳۹۲). «توانمندسازی مدیریت زنان روستایی جهت حفاظت از محیط زیست (مطالعه موردی: دهستان رستم یک، شهرستان رستم)»، سومین کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست، ۵ آذر ۱۳۹۲، دانشگاه تهران.
- [۴] خوشبو، پگاه؛ چیدری، محمد؛ فرهادیان، همایون (۱۳۹۲). «تأثیر شوراهای اسلامی در توانمندی روستاییان به منظور حفاظت از منابع طبیعی»، اولین همایش سراسری کشاورزی و منابع طبیعی پایدار، ۱۰ بهمن ۱۳۹۲، مؤسسه آموزش عالی مهر اروند، گروه ترویجی دوستداران محیط زیست و انجمن حمایت از طبیعی یاران.
- [۵] رضایی، روح‌اله؛ زارعی، شیما (۱۳۹۳). «بررسی دیدگاه زنان روستایی درباره تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی آنان (مورد مطالعه: روستای حسن‌خان، شهرستان قروه)»، فصل‌نامه زن در توسعه و سیاست، ۲، ص ۲۸۷-۳۰۴.
- [۶] رضایی، روح‌اله؛ صفا، لیلا (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل نیازهای آموزشی مرتع‌داران در شهرستان زنجان (مطالعه موردی: روستای اورنابلاغ)»، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی/ایران، ۴، ص ۵۷۳-۵۸۴.
- [۷] زرافشانی، کیومرث؛ آگهی، حسین؛ خالدی، خوشقدم (۱۳۹۰). «نیازسنجی آموزشی زنان روستای قمام شهرستان سنقر (بر مبنای مدل بوریچ و تحلیل کوادرات)»، فصل‌نامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱، ص ۱۶۵-۱۸۳.
- [۸] صنایع گلدوز، ساناز؛ مخدوم، مجید؛ جعفری و دیگران (۱۳۸۹). «نیازسنجی آموزشی کارشناسان ارزیابی اثرات محیط زیست در ایران»، فصل‌نامه علوم محیطی، ۱، ص ۱۸۹-۲۰۴.
- [۹] عسگری‌مقدم، زهرا (۱۳۸۷). «نقش زنان در بیابان‌زدایی و توسعه پایدار منابع طبیعی»، ماهنامه کشاورزی و غذا، ۶۹، ص ۵۸-۶۱.
- [۱۰] فال‌سلیمان، محمود؛ صادقی، حجت‌اله؛ موحدی‌پور، معصومه (۱۳۹۱). «تحلیلی بر نقش پروژه ترسیب کربن در توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: حسین‌آباد غیناب-شهرستان سربیشه)»، فصل‌نامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۸، ص ۱۳-۲۷.
- [۱۱] قربانی، مهدی؛ مهرو ده‌بزرگی، م. (۱۳۹۳). «تحلیل ذی‌نفعان، قدرت اجتماعی و تحلیل

- شبکه در مدیریت مشارکتی منابع طبیعی»، مجله منابع طبیعی/ایران، ۶۷ (۱)، ص ۱۴۱-۱۵۷.
- [۱۲] قربانی، مهدی؛ آذرنیوند، حسین؛ مهربانی، علی اکبر و دیگران (۱۳۹۱). «تحلیل شبکه اجتماعی: رویکردی نوین در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مدیریت مشارکتی منابع طبیعی»، مجله منابع طبیعی/ایران، ۶۵ (۴)، ص ۵۵۳-۵۶۸.
- [۱۳] قربانی، مهدی؛ راسخی، ساره؛ سلیمی، جمیله؛ روغنی، ربانه (۱۳۹۳). «مدیریت منابع طبیعی در مقیاس محلی، سرمایه اجتماعی و قدرت اجتماعی در شبکه ذی‌نفعان محلی مطالعه موردی: سامان عرفی کجین‌دشت، منطقه کلاته رودبار دامغان»، مجله پژوهش‌های روستایی، ۵ (۴)، ص ۷۷۹-۸۰۸.
- [۱۴] کرمی دهکردی، اسماعیل (۱۳۹۴). «شناخت ظرفیت‌ها و نیازهای اجتماعات روستایی در راستای مدیریت جامع و مشارکتی حوزه آبخیز قزل تپه در استان زنجان»، زنجان، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان.
- [۱۵] کرمی دهکردی، اسماعیل؛ فرخی، صفا (۱۳۸۸). «مدیریت پایدار حوزه‌های آبخیز و نیازهای یادگیری روستاییان (مطالعه موردی: حوزه آبخیز فش)»، نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، ۱۰ اردیبهشت، ۱۳۸۸، کرمانشاه، دانشگاه رازی.
- [۱۶] کریمی، کبری؛ کرمی دهکردی، اسماعیل (۱۳۹۴). «بهره‌برداری از مراتع و لزوم متنوع‌سازی معیشت خانوارهای روستایی مطالعه موردی: شهرستان ماهنشان»، پژوهش‌های روستایی، ۶ (۲)، ص ۳۴۳-۳۶۸.
- [۱۷] مرکز آمار ایران (۱۳۸۸). «سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷». تهران: مرکز آمار ایران.
- [۱۸] _____ (۱۳۹۴). «سرشماری عمومی کشاورزی سال ۱۳۹۳». تهران: مرکز آمار ایران.
- [۱۹] _____ (۱۳۹۶). «سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵»، تهران: مرکز آمار ایران.
- [۲۰] مهدوی، خدیجه. محمودی، جلال؛ سوری، مهشید. (۱۳۹۰). «اهمیت مشارکت زنان در حفظ منابع طبیعی»، دومین همایش منطقه‌ای توسعه پایدار منابع طبیعی در حاشیه جنوب دریای خزر، ۲۴ آذرماه ۱۳۹۰، نور، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور.
- [۲۱] هاتفی، مائده (۱۳۹۲). «لزوم مشارکت زنان روستایی در حفاظت از منابع طبیعی تجدیدشونده و تحقق توسعه پایدار»، اولین همایش سراسری کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۰ بهمن، تهران، مؤسسه آموزش عالی مهر اروند، گروه ترویجی دوستداران محیط زیست.
- [۲۲] وثوقی، لیلا؛ قاسمی، مهدیه (۱۳۹۳). «اکوتوریسم و توانمندسازی زنان روستایی (مورد مطالعه: روستای شیب دراز، جزیره قشم)»، فصل‌نامه زن در توسعه و سیاست، ۱۲ (۲)، ص ۵۹۳-۶۱۰.

- [23] Bryman, A. (2015). *Social research methods*. Oxford: Oxford University Press.
- [24] FAO. (2015). *Faostat population*. Rome: FAO.
- [25] Ghadiri Masoum, M., and Ghanian, M. (2010). "Role of rural women in operation, protection and restoration of natural resources in desert plains; case study: Khuzestan province", *Desert*, 14(1), PP 37-42.
- [26] Gaillard, J., Maceda, E. A., Stasiak, E., Le Berre, I., & Espaldon, M. V. (2009). "Sustainable Livelihood and people s Vulnerability in the Face of Coastal Hazards", *Jornal of Coastal Conservation*, 13(2-3), PP 119-129.
- [27] Karamidehkordi, E. (2010). "A country report: Challenges facing Iranian agriculture and natural resource management in the twenty-first century", *Human Ecology*, 38(2), PP 295-303.
- [28] Maikhuri, R. K, Rawat, L.S, Negi, V. S., Farouque, N.A, Rao, K.S, Purohit, V.K,... Saxena, K.G., (2011). "Empowering rural women in agro-ecotechnologies for livelihood improvement and natural resource management: A case from Indian Central Himalaya", *Outlook on Agriculture*, 40(3), PP 229-236.
- [29] UNWomen. (2012). Strengthening role of rural women in managing natural resources can enhance peacebuilding, say experts. Retrieved from <http://www.unep.org/NEWSCENTRE/default.aspx?DocumentId=2676&ArticleId=9072>.
- [30] Valdivia, C., and Gilles, J. (2001). "Gender and resource management: Households and groups, strategies and transitions", *Agriculture and Human Values*, 18(1), pp 5-9.
- [31] Volunteers For Africa. (2009). The role of rural women in natural resource management in Kenya. Retrieved from <https://www.ammado.com/nonprofit/volunteersforafrica/articles/7325>.
- [32] Woodhouse, P., Howlett, D., & Rigby, D. (2000). "A Framework for Research on Sustainability Indicators for Agriculture and Rural Livelihoods", *Working Paper 2, Research Project No. R7076CA*. Retrieved from London.
- [33] Yin, R. K. (2013). *Case study research: Design and methods*. London: Sage Publication.